

فهرست:

چکیده

مقدمه

گفتار اول - مفهوم مهندسی تمدن اسلامی

مبحث اول - مفهوم تمدن

مبحث دوم - ارکان تمدن

نظام گرایش ها و تمایلات

۱. نظام اندیشه (بینش ها و دانش ها)

۲. نظام محصولات

مبحث سوم - مفهوم مهندسی

مبحث چهارم - اصول مهندسی تمدن اسلامی

۱. تقویم ابعاد تمدنی

۲. توسعه انسانی، محور توسعه تمدنی

۳. جهانی سازی

گفتار دوم - جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی

مبحث اول - الگوگیری از مسجد در طراحی تمدن اسلامی

۱. حاکمیت توحید:

۲. امام و محراب مسجد:

۳. لزوم طهارت در مسجد:

۴. عدالت محوری در مسجد:

مبحث دوم - توجه به مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

گفتار سوم - کارکردهای مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

مبحث اول - کارکرد مسجد در شکل دهی نظام تمایلات اجتماعی و ساماندهی سیاسی

مبحث دوم - کارکرد مسجد در شکل دهی فرهنگ

الف) آموزش:

ب) شکل گیری ارتباطات فرهنگی:

ج) تکامل و تربیت دینی:

مبحث سوم - کارکرد اقتصادی و حقوقی مسجد

مبحث چهارم - مسجد به عنوان کانون شهر اسلامی

نتیجه گیری

منابع

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در سیر حرکت تکاملی جامعه شیعی، نویدبخش احیاء دوباره تمدن اسلامی است و برای تحقق کامل تمدن اسلامی با تمامی اقتضائات تمدنی آن در دنیای امروز باید مهندسی تمدن اسلامی براساس معارف شیعی صورت بگیرد و در این میان توجه وافر به معارف در باب مسجد و کارکردهای آن بسیار مهم می باشد. در این مقاله از دو منظر به بررسی نسبت مسجد و تمدن اسلامی پرداخته شده است.

الف) الگوگیری از مسجد در طراحی تمدن اسلامی

ب) توجه به مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

از منظر اول آداب، احکام و نمادهای مطرح در مسجد می تواند در طراحی الگوی تمدن اسلامی ره گشا باشد زیرا مسجد مقیاسی کوچک و نماد تمدن اسلامی با تمامی مؤلفه های تمدنی است.

از منظر دوم در نسبت بین مسجد و تمدن اسلامی، توجه به نقش و جایگاه مسجد در حیات اجتماعی و تمدنی مسلمین شده است. از مهمترین کارکردهای مسجد در تاریخ و سیره نبوی، شکل دهی تمایلات اجتماعی و هدایت سیاسی جامعه می باشد. آموزش، شکل گیری ارتباطات فرهنگی و تکامل و تربیت دینی از کارکردهای فرهنگی مسجد می باشد. از دیگر کارکردهای مسجد در سیره نبوی و علوی کارکرد اقتصادی و حقوقی است. در آخر مسجد کانون شهر اسلامی است و می بایست معماری شهری بر مدار مسجد محوری صورت بگیرد.

کلید واژه: مسجد، تمدن اسلامی، مهندسی، فقه حکومتی، علوم اسلامی

شاید سخن از ارتباط مسجد و تمدن اسلامی برای بسیاری تداعی تنها ارتباط ذوقی و سلیقه ای در این دنیای ارتباطات باشد و الا بحث از این دو در دو فضای متفاوت می باشد. مخصوصاً براساس ادبیات روشنفکری سکولار اولاً: سخن از تمدن اسلامی بی معناست زیرا دین اصلاً ناظر به حیات اجتماعی و مدنیت نمی باشد و تنها می توان سخن از تمدن مسلمین داشت و ثانیاً: مسجد تنها مکانی عبادی و جایگاه خاصی در تمدن مسلمین دارد و نباید انتظار بیش از حد از این مقوله دینی داشت. ولی با دقت در سیره، معارف و فرهنگ نبوی و امامان معصوم (ع) به خوبی شأن، منزلت و کارکرد این مقوله دینی در بین دیگر عناصر دینی اسلام روشن خواهد شد.

اولین اقدام پیامبر (ص) در شکل دهی مدینه النبی و تمدنی جدید در تاریخ بشریت، تأسیس مسجد بود و این اقدام نشان دهنده آن است که محور و جوهره جامعه و حکومت و تمدن در اندیشه اسلامی، مسجد باید باشد و دیگر عناصر این تمدن جدید همه باید بر مدار این محور اساسی شکل بگیرد. عبودیت، عبادت، تربیت، آموزش، جهاد، رفع حوائج فردی و اجتماعی و ... همه کارکردهای مسجد بر اساس معارف اسلام است و با این رویکرد آیا می توان در مهندسی تمدن اسلامی، توجه وافر به این حجم از معارف در باب مسجد و کارکردهای بی شمار آن نداشت؟

وقوع انقلاب اسلامی در سیر حرکت تکاملی جامعه شیعی، نویدبخش احیاء دوباره تمدن اسلامی است و برای تحقق کامل تمدن اسلامی با تمامی اقتضائات تمدنی آن در دنیای امروز باید مهندسی تمدن اسلامی براساس معارف شیعی صورت بگیرد و در این میان توجه وافر به معارف در باب مسجد و کارکردهای آن بسیار مهم می باشد. این مقاله در صدد آن است که نگاهی اجمالی در این باب عرضه کند و تنها فتح بابی در باب اندیشه در این مسأله باشد. براین اساس ابتدا مفهوم مهندسی تمدن اسلامی تبیین می گردد و سپس به کارکرد، نقش و جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی پرداخته می شود.

گفتار اول - مفهوم مهندسی تمدن اسلامی

مبحث اول - مفهوم تمدن

در باب مفهوم تمدن، با تلقی های گوناگونی روبرو هستیم که نوعاً در تعریف ها با رویکردهای مختلف روبرو می باشیم. اصولاً این اصطلاح از قرن ۱۸ و در عصر روشنگری پدید آمد، هر چند واقعیت آن از گذشته موجود بوده است. در باب تعریف تمدن و فرهنگ دیدگاه های متفاوتی ذکر شده است.

بسیاری فرهنگ و تمدن را مترادف با یکدیگر قلمداد می نمایند. از جمله ادوار تایلور که در این باره چنین می گوید: «کلمه فرهنگ یا تمدن به مفهوم وسیع کلمه که مردم شناسان به کار می برد. عبارت از ترکیب پیچیده ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و ادات و اعمال دیگری است که به وسیله انسان در جامعه خود به دست می آید.» (روح الامینی - ۱۳۷۹ - ص ۴۸)

اما دیدگاه دیگر در باب تمدن - که به نظر می رسد دیدگاه دقیق تری می باشد - آن است که برای تمدن، معنایی فراگیر

قائل است که علاوه بر جنبه نرم و فرهنگی حیات اجتماعی مجموعه عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و خلاصه جنبه‌های سخت در یک جامعه را شامل می‌شود. در فرهنگ لالاند^۱ «یک تمدن مجموعه ای است از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقالند و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند» (ساروخانی - ۱۳۷۵ - ج ۱ - ص ۹۹)

البته کسانی هم هستند که تمدن را در جلوه های فرهنگ مادی و تجسم آن را در شهرنشینی خلاصه می‌کنند. (روح الامینی - ۱۳۷۹ - ص ۵۰)

بر این اساس به خوبی می‌توان به چند ویژگی مفهوم تمدن اشاره نمود:

الف) تمدن آنچنان که از کلمه لاتینی شهرنشین بودن یا شهروندان (civis) و شکل وصفی آن (civilis) مشتق می‌شود، متقوم به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی قانونمند است.

ب) گستره یک تمدن به مراتب بیشتر از یک حکومت و یا حتی یک فرهنگ خاص می‌باشد و بالطبع عمر طولانی‌تر از عمر حیات اجتماعی یک جامعه خاص را دارد.

ج) تمدن هم یک جنبه سخت و هم یک جنبه نرم دارد که فرهنگ به عنوان جنبه نرم یک تمدن، زیر بنای ساخت یک تمدن است و بعد عقلانیت یک تمدن - که اساس یک تمدن است - بازگشت به بعد فرهنگی آن می‌کند. البته تمدن تنها به این جنبه نباید خلاصه شود بلکه جنبه‌های سخت تمدن همچون ساختارها، محصولات و... هم مطرح می‌باشد.

د) هر تمدنی دارای نظامات اجتماعی متعددی می‌باشد که اساساً همین نظامات هستند که تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازد مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیگر نظامات کلان و خرده نظامات که به صورت هماهنگ تعیین بخش می‌باشند. (آشوری - ۱۳۸۱ - ص ۱۲۸)

ه) شکل‌گیری یک تمدن محصول هماهنگی نظامات اجتماعی خاصی است که به پذیرش اجتماعی^۲ رسیدند و نهادینه شده‌اند و لذا اگر مولفه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در یک جامعه به پذیرش اجتماعی نرسد هرگز شکل تمدنی به خود پیدا نخواهد کرد.

مبحث دوم - ارکان تمدن

در باب مولفه‌ها^۲ و ارکان اصلی یک تمدن و سهم تأثیر هر یک در ساخت یک تمدن برخی چهار رکن را مطرح کرده‌اند: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش در راه معرفت و بسط هنر.

در نظر ویل دورانت، عوامل تمدن عبارت‌اند از شرایط معرفت الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی و از نظر او اهمیت عوامل و اوصاف و احوال اقتصادی در شکل‌دهی به یک تمدن بیش از عوامل دیگر است. (ویل دورانت - ج ۱ - ص ۳۰۷)

بعضی دیگر سازه‌های یک تمدن را نظامات مختلفی همچون نظام اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، ارزشی، تاریخی و... دانسته‌اند.

^۱ - Laland

^۲ - Factors

شاید بتوان با نظری دقیق سه رکن اصلی یک تمدن را «نظام گرایش، نظام اندیشه و فرهنگ، نظام محصولات» دانست که در تقویم با یکدیگر هویت تمدنی خاصی را شکل می‌دهند. بر خلاف بسیاری از دیدگاهها که فرهنگ را روح و پایه اصلی تمدن مطرح می‌کنند، با نظر دقیق می‌توان گفت که اگر چه فرهنگ پایه و اساس شکل‌گیری عینیت‌های تمدنی است و تمامی الگوها، مدل‌ها، ساختارها و دانشها و علوم بستر شکل‌گیری محصولات «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» را در سطوح مختلف فراهم می‌آورند اما فرهنگ خود در بستر نظام گرایش، تمایلات، عاطفه‌ها و اخلاق اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر با مطالعه و بررسی حیات اجتماعی انسان به خوبی نمایان می‌گردد که حیات اجتماعی مجموعه‌ای از «تمایلات، اندیشه‌ها و محصولات» شکل گرفته است که این سه بعد در هماهنگی با یکدیگر تمامی حوزه‌های حیات زندگی انسان را پوشش می‌دهد و در این میان نظام تمایلات، سهم اصلی در شکل‌دهی یک جامعه و تمدن را دارا می‌باشد.

مثلاً جامعه‌ای که تمایلات آن مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شکل گرفته است، هیچگاه در اندیشه اقتصادی خود، سراغ الگوهای ربوی و نظام سرمایه‌داری نمی‌رود و روابط اجتماعی و فرهنگ خود را متناسب با تمایلات خود شکل می‌دهد و بالطبع محصولات اجتماعی خاص را در حوزه‌های مختلف متناسب با تمایلات و اندیشه‌های خود تولید می‌کند. تفصیل این معنا بسیار مهم در امر شناخت تمدن اسلامی می‌باشد.

۳. نظام گرایش‌ها و تمایلات

آنچنان که بیان شد تمایلات، عاطفه‌ها و احساسات، از مهمترین ارکان یک جامعه و تمدن بشری است که در حیات اجتماعی خود بدان پای بند و تعلق دارد. هر جامعه‌ای متناسب با حس زیباشناسی خود به موضوعات و مسائلی گاه علاقه روحی و میل و کشش درونی پیدا می‌کند و گاه از موضوع و مطالب دیگری متفر و گریز دارد، که همین تمایلات با تعامل با اندیشه‌ها است که مبدا ابراز رفتارها و موضع‌گیری می‌گردد.

بر این اساس می‌توان تمایلات اجتماعی را خاستگاه شکل‌گیری تمدن برشمرد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است چرا که نقطه عزیمت هر شکل تمدنی به شکل دیگری، تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی می‌باشد و به تعبیر ماکس وبر این اخلاق اجتماعی است که پایه شکل‌گیری یک تمدن می‌گردد. (ماکس وبر - ۱۳۷۴ - ص ۶۲)

در باب تمایلات اجتماعی باید، به دو نکته توجه نمود.

اولاً: گرایش‌ها و تمایلات اجتماعی نظام‌مند می‌باشند و همین نظام مندی باعث تفاوت جوهری نظامات اجتماعی متفاوت می‌باشد. آنچه در نظام مندی این تمایلات مهم می‌باشد، توجه به تمایل محوری در شکل‌گیری و هدایت دیگر تمایلات و گرایش‌ها می‌باشند.

اگر جامعه به دنبال توسعه و تکامل روحیه خداپرستی باشد بالطبع توسعه و تکامل آن جامعه در تمامی ابعاد به گونه‌ای خاص صورت می‌پذیرد و هرگز با شاخصه‌های مادی قابل‌سنجش نمی‌باشد.

ثانیاً اگر چه میان اندیشه و تمایلات همواره ارتباط تنگاتنگ وجود دارد اما این تغییر در تمایلات و انگیزه‌ها است که به دنبال خود تغییر در اندیشه را به همراه دارد و در کتاب تاریخ فلسفه خود به این مسئله اشاره دارد که «همواره

تغییر در نگرش و روش با تغییر انگیزه‌ها همراه بوده است» (ویل دورانت - ص ۳۷۳)

بر این اساس می‌بینیم که غرب مدرن هم ابتدا با تغییر تمایلات و ضمن زیباشناسی مردمان آن دیار آغاز می‌گردد. ویل دورانت، «پترارک» و «بوکاچو» شاعر و نویسنده ایتالیایی قرن چهاردهم را نخستین انسانهای عصر مدرن می‌نامد. هر چه هست از حدود اواسط قرن چهاردهم نهضت فرهنگی - ادبی ای در برخی شهرهای ایتالیا به ویژه فلورانس پدید می‌آید که حکایتگر ظهور تدریجی بشر جدیدی بود که دیگر دلبستگی‌ها و علایق و تعلقات قرون وسطانی نداشت. دیگر این بشر علاقمند به افق ناسوتی حیات و زندگی سوداگرانه و منش سودجویانه است.» (زرشناس - ۱۳۸۲ - ص ۸۶)

بدینسان نطفهٔ مدرنیته در رنسانس با این میل محوری، یعنی دنیاگرایی و روی گردانی از اندک مایه‌های میراث معنوی تفکر غربی بسته می‌شود و لذا این تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و احساسات در مغرب زمین به دنبال خود علوم و تکنولوژی مدرن را به همراه آورد و تمدنی به قامت مادی می‌سازد.

به عبارت دیگر به تعبیر ماکس وبر روح نظام سرمایه داری، اخلاق پروتستانی است، اخلاقی با روحیه خوشگذرانی و میل به ثروت جویی و کسب در آمد بیشتر (ماکس وبر - ۱۳۷۴ - ص ۵۴)

۴. نظام اندیشه (بینش‌ها و دانش‌ها)

رکن دوم یک تمدن، اندیشه‌ها و بینش‌های تمدنی است که مبتنی بر آن، محصولات تمدنی شکل خواهد گرفت. این اندیشه‌ها لایه‌های متعددی وارد که از یک نگاه می‌توان آن را به اندیشه‌های «بنیادی، راهبردی و کاربردی» تقسیم نمود که همین اندیشه‌ها فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد.

به تعبیر دیگر مفاهیم، ساختارهای اجتماعی، الگوها و مدل‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» همهٔ اینها رکن دوم و اساس یک تمدن را شکل می‌دهد که براساس آنها روابط اجتماعی و کنش و واکنش‌های متقابل در سطوح خرد و کلان شکل می‌گیرد.

۵. نظام محصولات

نمود یک تمدن، در محصولات تمدنی است. محصولات تمدنی همواره مبتنی بر فرهنگ و اندیشه‌های خاصی شکل می‌گیرد و لذا خود حاصل فرهنگ و ارزش‌های خاصی هم می‌باشند و دقت در این معنا بسیار مهم است تا آنجا که بعضی این محصولات را جزو ارکان فرهنگ بر شمرده‌اند. مثلاً رویتر فرهنگ را اینگونه معنا می‌کند.

«اصطلاح فرهنگ به معنای مجموع آفرینشهای بشری و برآیندهای سازمان یافته تجربه بشری تا کنون بکار می‌رود. فرهنگ شامل همه چیزهایی است که بشر به صورت ابزارها، جنگ افزارها، سرپناهها و دیگر کالاهای مادی و فرایندها ساخته است. شامل همه چیزهایی است که بر بنیاد دیده‌ها و باورها، اندیشه‌ها و داوریه‌ها به صورت قانونها، نهاد، هنرها، علوم، فلسفه و سازمان اجتماعی ساخته و پرداخته شده است.» (آشوری - ۱۳۸۱ - ص ۶۷)

البته در باب محصولات تمدنی باید به این نکته توجه نمود که محصولات تمدنی اعم از محصولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد و اینگونه نیست که تنها محصولات به تکنولوژی معنا شود. اگر چه خود تکنولوژی هم در عصر حاضر حامل فرهنگ خاصی می‌باشد. به تعبیر دیگر علم و تکنولوژی و کلیه ساختارهای ناشی از تمدن مدرن هم به دلیل مبادی و مبانی - که محرک ایجاد و اختراع آنها بوده است - و هم به جهت شاکله و نوع کارکردهایشان، حامل

گرایش‌ها و کشش‌های خاص خود هستند که با برخی از مبانی و اهداف فکری و اعتقادی، سازگاری بیشتری دارند تا برخی دیگر.

«فقط کسی که اطلاع چندانی از تاریخ تکنیک ندارد، می‌تواند بر این باور باشد که تکنیک فاقد جهت و لذا خشی و بی‌طرف است... هر تکنیکی منطق خاص خود را دارد و دارای فراخسار و سیمایی درونی و چهره‌ای نامریی است و بر آن است که آن را باز و شکوفا سازد و نقاب از استعاره خود بردارد.» (نیل پستمن - ۱۳۷۳ - ص ۱۷۷)

مبحث سوم - مفهوم مهندسی

اندیشمندان معتقدند کاربرد اولیه این واژه در زبان فارسی در زمینه‌هایی چون علم هندسه، مساحی و اندازه‌گیری زمین و بناهای ساختمانی بوده است که رفته رفته با ورود علوم و دانش‌های اروپایی، به قلمرو دانش‌هایی چون معماری، راه‌سازی، کشاورزی و طراحی و ساخت انواع ماشین‌ها و سیستم‌های الکتریکی و الکترونیکی تسری یافته است. در دهه‌های اخیر نیز قلمرو مفهومی این لغت دست‌خوش تغییراتی شده و به گستره معنایی آن افزوده شده است. اگرچه مضاف‌الیه‌های این واژه در گذشته بیشتر ماهیتی کمی داشته و جزو مفاهیم عینی محسوب می‌شدند اما لغات ترکیبی جدید بیشتر از سبکه کیفی و غیر ملموس برخوردار هستند؛ مواردی همچون مهندسی نرم افزار، مهندسی سیستم‌ها، مهندسی ارزش، مهندسی فرهنگ

بنابراین مهندسی عبارت است از شناخت و جانمایی عناصر یک سیستم و طراحی و تنظیم روابط و تعامل میان این عناصر، به گونه‌ای که در جهت تکامل و پویایی مجموعه، زمینه کارکرد یا رفتار مطلوبی را در سیستم فراهم نماید.

اما اصول مهندسی چیست؟ اصولی که در مهندسی و به تبع آن در مهندسی تمدن نیز باید رعایت شود، عبارت است از دارا بودن یک نگرش زمینه‌ای. مهندس باید محیطی که می‌خواهد در آن مهندسی کند (به طور مثال ساختمانی را که می‌خواهد بنا کند) بشناسد، (یعنی شناخت میزان سفتی و سستی زمین و میزان درجه هوا و...) نگرش جامع با منطق مناسب، برقراری نسبت بین عوامل، قدرت الگوسازی، قدرت آینده‌نگری و آینده‌پردازی (یعنی دانستن این که قرار است در آینده چه اتفاقی بیفتد، همچنین بتواند آینده مناسبی را ایجاد کند و برای ایجاد آن برنامه ریزی نماید، استقبال از تغییر جایگاهها و حتی تغییر روش، اقتضای دینامیکی بودن حرکت است، مشروط به ایجاد تعالی و در مجموعه بودن.

مبحث چهارم - اصول مهندسی تمدن اسلامی

با مفهوم ارائه شده از تمدن و مهندسی، در مهندسی تمدن باید منظومه باورها، ارزش‌ها و رفتارهای موجود در عرصه تمدنی را باز شناخت تا از طریق آن، چالش‌ها، تعارض‌ها، انحطاط‌ها، انتقادات و نیز قوت‌ها، شناخته شود و مبتنی بر تمدن آرمانی به دست آمده از کتاب و سنت بتوان تمدن هدف، یعنی تمدن قابل وصول را شناسایی نمود و در هر مرحله تکامل تمدنی، تمدن هدف را، به تمدن آرمانی نزدیک نمود. بنابراین، یک فرهنگ آرمانی وجود دارد که از کتاب و سنت اخذ می‌شود که آن را باید حوزه‌های علمیه از منابع شرعی به دست آورند و دیگری فرهنگ مطلوب، یعنی هدف، یعنی فرهنگ قابل وصول که نقش میانی دارد و باید متناسب با شرایط تبیین شود. مهندسی فرهنگی باید برای دستیابی به اهداف میانی اتفاق بیفتد و البته این اهداف میانی باید در مسیر خود و در هر مرحله به هدف آرمانی نزدیک‌تر شود. موضوع اصلی مقاله، اصول مهندسی تمدن نیست. اما می‌توان به اختصار اصول زیر را مطرح نمود:

۴. تقویم ابعاد تمدنی

در دنیای امروز ابعاد مختلف حیات اجتماعی و تمدنی به گونه ای درهم تنیده شده اند که تحلیل هر بعد بدون توجه به دیگر ابعاد امکان ندارد چرا که در جوامع امروز دیگر توسعه به صورت بخشی ملاحظه نمی گردد به اینکه بخش های مختلف جامعه مانند بخش های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بدون هماهنگی با یکدیگر، تنها به توسعه بخش خود بیندیشد و برنامه ریزی کند. بلکه هدف جوامع مدرن در دنیای امروز توسعه هماهنگ در تمامی ابعاد جامعه می باشد بگونه ای که در تمامی سیاست گذاریها، برنامه ریزیها و تصمیم گیریها در هر بخش لوازم و تبعات دیگر بخش ها ملاحظه می گردد، یعنی در تصمیمات اقتصادی، لوازم فرهنگی و سیاسی این تصمیمات و برنامه ریزیها ملاحظه می گردد و هکذا در بخش های سیاسی و فرهنگی اینگونه مجموعه فکری و ملاحظه سیستمی امری لازم می باشد.

«طی دهه های ۸۰ و ۹۰ مفاهیمی جدید از فرهنگ و توسعه مطرح شد که در آنها توسعه فقط سنجش مادی درآمد، بیکاری و نابرابری نیست بلکه توسعه فرایندی چند بعدی است که تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، گرایش های مردم و نهادهای ملی، تسریع و رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و محو فقر را در پی دارد از آنجا که هر جامعه فرهنگ ویژه خود را دارد، ضرورتاً توسعه نیز باید بر اساس آن ویژگی ها استوار باشد و تحقق یابد.» (دوپویی - ۱۳۷۴ - ص ۵۰)

بر این اساس در دنیای امروز وظیفه دولتها و حکومتها توسعه هماهنگ تمامی ابعاد جامعه جهت رسیدن به اهداف خاص می باشد. و اینگونه نیست که دولتها توسعه را صرفاً یک امر اقتصادی - تکنولوژیک ملاحظه کنند.

بالطبع تحقق چنین توسعه ای می بایست مبتنی بر الگویی خاص صورت گیرد که این الگو بتواند تمامی ابعاد جامعه و موضوعات مبتلاء به جامعه را در یک مجموعه ملاحظه کند و وزن و اولویت هر موضوع را مشخص سازد تا بر اساس این نگرش نظامند و سیستمی بتوان در قدمهای بعدی متناسب با مقدرات «انسانی و ابزاری و امکاناتی» برنامه توسعه هماهنگ، طراحی و اجراء گردد.

توجه به عملکرد نظام سرمایه داری سازمان یافته (صورت عینی تمدن لیبرال دموکراسی) به خوبی نمایانگر این ویژگی از جوامع پیچیده دنیای امروز می باشد.

نظام سرمایه داری صرفاً یک مدل اقتصادی نیست بلکه روح کلی عصر جدید و تمدن لیبرال دموکراسی است که مظهر عقلانیت ابزاری و تکنیکی می باشد و در پی آنست که بر محور سودجوئی و فزون طلبی و دنیامداری صرف انسان عصر جدید، تمامی ساختارهای تمدنی، اجتماعی را در ابعاد «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» در «سیستمی جامع» به هماهنگی کامل برساند.

بر این اساس اقتصاد سازمان یافته، دولت رفاهی، فرهنگ خاص، علم سازمان یافته و.. وجوه مختلف نظام سرمایه داری سازمان یافته است که در هماهنگی کامل با یکدیگر، تمدن موجود در مغرب زمین را رقم زده است.

۵. توسعه انسانی، محور توسعه تمدنی

ویژگی دیگر تمدن سازی در عصر حاضر اینست که در دنیای امروز دولتها و حکومت های مدرن تنها جنبه های مادی و اجتماعی انسان را در توسعه و برنامه ریزی های خود مد نظر قرار نمی دهند بلکه نظر به تمامی شئون حیات فردی و

اجتماعی دارند.

یعنی علاوه بر این که برای تمامی ابعاد اجتماعی، برنامه‌های توسعه را طراحی می‌کنند در پرورش افراد جامعه هم به گونه‌ای زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی می‌کنند تا در سایه این بستر سازی‌ها، افراد با هویتی خاص، در راستای توسعه و تکامل جامعه تربیت شوند. البته این مطلب بدان معنا نیست که با برنامه‌ریزی مستقیم به صورت امر و نهی و دستوری بدین کار همت بگمارند بلکه با زمینه‌سازی و بستر سازی‌های خاص و با ایجاد شرایط مطلوب و بصورت غیر مستقیم در پرورش «تمایلات، افکار و رفتار» انسانها از بدو تولد تا حضور جدی آنها در جامعه، نقشی بسیار مهم و تأثیرگذار ایفاء می‌کنند. بر همین اساس در مباحث توسعه دنیای امروزی «توسعه انسانی» به عنوان محور توسعه مطرح می‌گردد. (روکس برو - ۱۳۷۰ - ص ۲۳)

به دیگر سخن در دنیای امروز تمدنی که، مدعی رهبری هماهنگ همه شئون حیات اجتماعی را دارد، اساس رهبری خود را، رهبری «نیروی انسانی» می‌داند چرا که تنها در سایه نیروی انسانی است که همه ابعاد جامعه شکل می‌گیرد. اگر در نیروی انسانی، انگیزه‌ها و روابط خاصی شکل بگیرد، بالطبع آن روابط خاص، زمینه‌ساز تصرفات خاصی می‌گردند و بدنبال آن طبیعتاً ابزار و تکنولوژی خاصی در اختیار بشر قرار می‌گیرند.

از همین رو هدف تمدن لیبرال دموکراسی، پرورش انسانهایی است که همواره تعلق و نیاز به دنیا در آنها شدت پیدا کرده و در پی آن توسعه نیاز، در جهت ارضاء نیاز، به تنوع، تلون و تلذذ بیشتر رو آورند، همین مسئله اساس مهندسی تمدن مادی است چرا که تنها در این صورت است که چرخهای کارخانه‌های غول آسای نظام سرمایه داری همواره به حرکت خود ادامه می‌دهند و صاحبان سرمایه و سلطه می‌توانند بازارهای جهانی را قبضه کنند و هر لحظه افزایش سرمایه داشته باشند.

بالطبع در فرآیند ساخت تمدن اسلامی، آنگاه می‌توان به توسعه‌ای اسلامی رسید که این توسعه بر محور توسعه ایمان شکل گرفته باشد، لذا نقطه شروع حرکت انبیاء اولیاء (علیهم السلام) از توسعه انسان است.

۶. جهانی سازی

ویژگی دیگر تمدن سازی در عصر حاضر، توجه به یک اصل اساسی در توسعه می‌باشد و آن برون نگر بودن توسعه تمدنی است.

یعنی علاوه بر این که توسعه بخشی ملاحظه نمی‌گردد و بصورتی بعدی تمامی شئون فردی و اجتماعی مدیریت و سرپرستی می‌گردد، در مقیاس توسعه هم دیگر هیچ تمدنی دیگر نمی‌تواند تنها در اندیشه توسعه محدود خود باشد بلکه هر تمدنی به دنبال آنست که در نظام موازنه جهانی جایگاه کشور خود را از لحاظ توسعه یافتگی بالا برده و سهم تأثیر بیشتری در توسعه جهانی دارا شود و در صورت امکان بتواند مدیریت توسعه جهانی را مبتنی بر اندیشه تمدنی خود در دست بگیرد.

توجه به این اصل از آنرو بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد که در عصر کنونی اگر تمدنی بخواهد تنها در مرزهای محدود جغرافیائی خود محصور شود و فقط در آن محدوده به توسعه خود پردازد، با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد و همین مشکلات به عنوان مانعی بزرگ بر سر راه توسعه آن بدل خواهند شد.

«هر حکومتی و دولتی چون هست و می‌خواهد باشد، به دنبال رشد و گسترش خویش است و این رشد خواهی و گسترش طلبی در حدی محدود و در مرزی محصور نمی‌شود و تا آنجا که می‌تواند و امکان می‌یابد موانع را رفع کرده، بر گستره حاکمیت و نفوذ خویش می‌افزاید، و برای آنکه تداوم این گسترش خواهی فراهم شود و مدیریت امکانات گسترش یافته، ممکن گردد، خود به خود به تقسیم مشاغل و تخصصی شدن امور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تن می‌دهد.» (جمعی از نویسندگان - ۱۳۶۵ - ص ۲۸)

به دیگر سخن در دنیای امروز مسئله «جهانی شدن» یا «جهانی سازی» از مهمترین مسائل توسعه در هر نگرش تمدنی می‌باشد چرا که به ادله مختلف همچون توسعه ارتباطات جهانی، تقسیم کار جهانی، بازارهای جهانی، مقدورات و منابع محدود و... لاجرم جامعه بشریت به سمت تبدیل شدن به یک جامعه جهانی، در حال حرکت است و در این حرکت تمامی کشورها بدنبال آن می‌باشند که متناسب با توان و قدرت خود در شکل‌گیری این جامعه جهانی در راستای منافع کشور خود سهم تأثیر بالاتری از دیگر کشورها داشته باشند تا جایی که بعضی از کشورها بدنبال آن می‌باشند که تمدن لیبرال دموکراسی رابه عنوان تمدنی جهانی و حتی تمدن پایان تاریخ مطرح کنند. بنابراین اگر تمدنی نخواهد در امر مهندسی خود به این مسئله جهانی توجه کند لاجرم تحت مدیریت جهانی شدن، واقع خواهد شد و حتی در توسعه تمدنی خود با ناکامیهای بسیاری روبرو می‌گردد.

گفتار دوم - جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی

تبیین دقیق جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی، کار مهم اجتهادی می‌طلبد و بالطبع پژوهش در این باب پیوندی عمیق با فقه حکومتی و فقه اجتماعی اسلام دارد. لازمه داشتن چنین فقهی، دستیابی به فقاهتی جامع، کل نگر و عمیق می‌باشد که بتواند به صورت‌تروش مند، در این باب معارف متکامل اسلام را استنباط کند و به حجیت برساند. توجه به این نکته اساسی و با عنایت به مفهوم مهندسی تمدن اسلامی، شاید بتوان براساس معارف وارد شده پیرامون شأن و منزلت، آداب و جایگاه مسجد، از دو منظر به بررسی نسبت مسجد و تمدن اسلامی پرداخت.

الف) الگوگیری از مسجد در طراحی تمدن اسلامی

ب) توجه به مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

اگرچه بررسی نسبت مسجد و تمدن اسلامی از منظر دوم، موضوع سخن در این مقاله است اما اجمالاً به منظر اول هم پرداخته می‌شود.

مبحث اول - الگوگیری از مسجد در طراحی تمدن اسلامی

توجه به آداب، احکام و نمادهای مطرح در مسجد می‌تواند در طراحی الگوی تمدن اسلامی ره‌گشا باشد زیرا مسجد مقیاسی کوچک نماد تمدن اسلامی با تمامی مؤلفه‌های تمدنی است.

در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

۱. **حاکمیت توحید:** اولین و مهمترین کارکرد مسجد، کارکردی عبادی است. مسجد مهمترین عبادتگاه مسلمین است که ندای توحید در آن سر داده می‌شود. در طراحی تمدن اسلامی هم باید توجه به این اصل اساسی داشت که تمدن اسلامی باید بستر تحقق توحید را فراهم آورد و تمامی اجزاء و مؤلفه‌های شکل‌دهی تمدن اسلامی باید برمدار

توحید و امر الهی ساماندهی شود و یک آهنگ بر تمامی عرصه های تمدنی حاکم باشد. «حتی تکون اعمالی و اورادی کلهم ورداً واحداً و حالی فی خدمتک سرمد» (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل)

۲. امام و محراب مسجد: محراب مسجد نماد تعیین جهت حرکت امام و مأمومین می باشد و این رابطه بین انسان و خدا از طریق امام جماعت و پیشوا باید صورت بگیرد و این امام عادل و با تقوی است که از یک سو ارتباطی با خدا دارد و از سوی دیگر حلقه واسطه ارتباط مردم با خدا می باشد. بر این اساس در طراحی تمدن اسلامی هم باید به مسئله امام (ع) (در زمان حضور) و ولی فقیه (در زمان غیبت) توجه وافر داشت و تنها تناسبات امام است که منجر به تحقق تمدن اسلامی خواهد شد.

۳. لزوم طهارت در مسجد: شرط ورود و سکنی در مسجد پاک بودن انسان از یک طرف و طاهر نگه داشتن مسجد از طرف دیگر است و لذا ورود غیر مسلمان به درون مسجد مجاز نمی باشد.

در طراحی تمدن اسلامی هم باید به این نکته اساسی توجه داشت که تمامی مؤلفه ها و عناصر تمدن اسلامی باید پاک و متناسب با فضای مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد و در این راستا باید حریم و حرمت جامعه دین در آن حفظ شود. بر این اساس هیچگاه نمی توان از مؤلفه های تمدن های مادی (همچون تمدن لیبرال دموکراسی که مؤلفه های آن بر اساس مبانی اومانستی و سکولاریستی بنا شده است) در مهندسی تمدن اسلامی بهره برد.

۴. عدالت محوری در مسجد: در مسجد هم امام مسجد باید عادل باشد و هم در ایجاد صفوف نماز جماعت، مأمومین هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و با وجود تعدد طبقات و گروه های اجتماعی برابر با یکدیگرند می باشند. در طراحی تمدن اسلامی هم باید عدالت محوری دقیقاً رعایت شود بدین معنا که از یک سو همه امور در جای خود قرار گیرند، وضع کل شیئاً فی موضعه (حکیم سبزواری، ۱۳۵۷، ص ۵۴) و هم حق همه امور متناسب با ظرفیت آنها اعطا شود. اعطاء کل ذی حق حقه (طباطبایی - ۱۳۷۸، ص ۳۷۱)

مبحث دوم - توجه به مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

منظر دوم در نسبت بین مسجد و تمدن اسلامی، توجه به نقش و جایگاه مسجد در حیات اجتماعی و تمدنی مسلمین می باشد. جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی بر خلاف جایگاه کلیسا در فرهنگ غربی، تنها یک مکان عبادی صرف برای برقراری یک ارتباط فردی و شخصی با خداوند نمی باشد، بلکه مسجد کانون و هسته اصلی جامعه اسلامی است. لذا می بینیم که پیامبر (ص) در نخستین گام خود در بنا نهادن تمدن تاریخی اسلام، اقدام به تأسیس مسجد کردند و تمامی این حرکت تاریخی بر مدار مسجد ساماندهی شد. لذا در تأسی به این حرکت پیامبر (ص) در طراحی تمدن اسلامی باید به این اصل اساسی توجه نمود که الزامات مسجد محوری در شکل دهی نرم افزارها و سخت افزارهای تمدن اسلامی رعایت گردد.

به عبارت دیگر اگر در تمدن لیبرال دموکراسی - که تمدنی اقتصاد محور است - بانک های ربوی به عنوان محور اساسی ساماندهی تمامی شئون اجتماعی می باشند، در تمدن اسلامی این مسجد است که باید محور اصلی در پیشرفت و تکامل همه شئون اجتماعی اعم از توسعه سیاسی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

بنابراین همه ارکان تمدن اسلامی (نظام تمایلات، نظام بینش و دانش، نظام محصولات) باید براساس اندیشه مسجد محوری سامان دهی شود.

در ادامه به برخی از الزامات مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی اشاره می‌گردد، هر چند پرداختن به تمامی وجوه این مهم، خود موضوع پژوهشی سنگین می‌باشد که می‌بایست مبتنی بر روش اجتهادی و با معیارهای علمی دقیق صورت بگیرد و چه بسا لازم است کرسی‌های نظریه‌پردازی فراوانی از وجوه مختلف در این زمینه برپا گردد.

گفتار سوم - کارکردهای مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

مبحث اول - کارکرد مسجد در شکل دهی نظام تمایلات اجتماعی و ساماندهی سیاسی

از مهمترین کارکردهای مسجد در تاریخ و سیره نبوی، شکل دهی تمایلات اجتماعی و هدایت سیاسی جامعه می‌باشد. بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی پیامبر(ص) در مسجد انجام می‌پذیرفت. پس از پیامبر(ص) بیعت‌های رسمی در مسجد صورت می‌پذیرفت. خطبه حضرت زهرا(س) بر علیه خلافت ابوبکر در مسجد ایراد گردید. امام علی(ع) مسجد کوفه را مرکز تربیت و شکل دهی تمایلات مردمان کوفه قرار داده بود. در نظام سیاسی اسلامی، «تولید، توزیع و مصرف» قدرت باید بر مدار الهی و تولی به ولایت حضرت حق صورت بگیرد و تحقق این مهم به صورت اعلی‌جز در خانه حضرت حق امکان‌پذیر نمی‌باشد.

براین اساس مسجد علاوه بر اینکه مرکز رفع حوائج خرد در جامعه می‌باشد مانند محل گردآوری کمک برای مستمندان، برگزاری آئین نامه مانند مراسم جشن‌ها، ترحیم‌ها، گردهمایی‌ها، اقامت موقت در راه ماندگان، مراجعه به امام جماعت برای حل دعاوی و ... باید مسجد مرکز رفع حوائج در سطح کلان و توسعه جامعه اسلامی هم قرار بگیرد. یعنی مسجد باید مرکز تصمیم‌گیری کلان اجتماعی باشد و تمامی سیاست‌گذاری‌های کلان اعم از سیاست‌های داخلی و خارجی در آنجا ساماندهی شود.

علاوه بر اینها مسلمانان در فضای مسجد، زندگی در یک جامعه اسلامی آکنده از خدامحوری، صمیمیت، مواسات و خیرخواهی را در مقیاسی کوچک تجربه می‌کنند و برای نهادینه کردن این روحیه در سطوح کلان اجتماعی تنها مسیر، این است که تمامی جامعه اسلامی، مسجد شود. به فرموده پیامبر(ص) به ابوذر «حیثما ادرکتک الصلاه فصل الارض کل مسجد» «هر جا وقت نماز رسید همان جا نماز بخوان که سر تا سر زمین برای تو مسجد است». (قائدان، ص ۱۹۹، ۱۳۸۵).

مبحث دوم - کارکرد مسجد در شکل دهی فرهنگ

از دیگر کارکردهای مسجد، کارکرد فرهنگی و ارتباطاتی مسجد است. مسجد جایگاهی بلند در ترویج و نهادینه ساختن فرهنگ اسلامی و دست یافتن به اهداف غایی دین، یعنی تعالی فرد و اجتماع دارد. کارکرد فرهنگی مسجد بسیار فراوان است و لذا لازم است در مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور توجه وافر و اساسی به این مقوله بشود که متأسفانه تاکنون این امر مهم مورد غفلت واقع شده است.

در اینجا به برخی از کارکردهای فرهنگی کشور اشاره می‌گردد و قبل از طرح مطلب، توجه به این نکته اساسی ضرورت دارد که نباید کارکرد مسجد را تنها در تعالی فرهنگ عمومی منحصر کرد بلکه در مسئله پیشرفت فرهنگ تخصصی و بنیادی جامعه هم باید به محوریت مسجد توجه نمود.

الف) آموزش: مسجد از عصر پیامبر(ص) مرکز آموزش معارف قرار گرفت. پیامبر(ص) ابتدا بر روی تنه درختی و بعدها بر فراز منبر به تبیین احکام الهی و معارف اسلامی پرداخت و بعدها همین امر به یک سنت در مسجد بدل گردید و محراب و منبر پیوندی جدایی ناپذیر پیدا کردند.

علاوه بر آموزش‌های عمومی، حلقه‌های درس و رشته‌های تخصصی در مسجد از زمان پیامبر(ص) و بعدها به صورت توسعه یافته‌تر در زمان امیرالمؤمنین(ع) تا برسد به دانشگاه بزرگ صادقین (علیهم السلام) شکل گرفت. لذا می‌بینیم که مسجد کانون آموزش و ترویج فرهنگ حتی در سطوح مطالب تخصصی و بنیادی هم صورت گرفت.

متأسفانه با نفوذ فرهنگ مدرنیته در جامعه اسلامی، بخش عمده‌ای از آموزش کشور، چه آموزش متوسطه و چه آموزش‌های دانشگاهی، ابتدا از فضای مسجد جدا و سپس کم‌کم حتی از مبانی و اصول اسلامی هم تهی و خالی گردید. لذا با جریان علوم سکولار در جامعه روح دینداری تضعیف گردید و دین همچون نظامات مادی از جریان جامعه‌پردازی کنار گذاشته شود و تز جدایی دین از سیاست، بر روح آموزش کشور حاکم گردید. انقلاب اسلامی فرصت دوباره‌ای است که با شکستن ساختارهای آموزشی نهادینه شده در جامعه، بستر بازگشت آموزش به مسجد فراهم و زمینه تولید علم دینی پدید آمد.

به راحتی می‌توان کرسی‌های نظریه‌پردازی را در مساجد فعال نمود که ثمره آن هم حاکمیت روح تعبد و تعهد بر جریان نظریه‌پردازی است و همه توجه به مبانی دینی در شکل‌گیری نظریه‌های نوین اسلامی در حوزه دستیابی به علوم انسانی اسلامی می‌باشد.

ب) شکل‌گیری ارتباطات فرهنگی: مسجد پایگاه شکل‌دهی ارتباطات و اطلاع‌رسانی در فرهنگ نبوی بوده است. ندای «الصلاه جامعه» در زمان پیامبر(ص) و دوران پس از آن، اعلام فراخوان عمومی برای گرد هم آمدن مسلمانان در مسجد و نشان از اعلام یک امر مهم به هنگام اقامه نماز جماعت بوده است. پس از تشریح اذان در غیر از زمان نماز، مردم با بانک اذان به مسجد می‌آمدند (ابن سعد، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۱۴۶). علاوه بر این، شبکه ارتباطی مساجد هم در فرهنگ اسلامی قابل توجه و قابل الگوگیری است. وجود «مساجد محلی» و مسجد جامع در هر شهر و ارتباط مساجد جامع با یکدیگر و وجود مسجد جامع در مرکز حاکمیت به عنوان بلندگوی اصلی حکومت، مسئله مهمی در طراحی شبکه ارتباطات می‌باشد؛ مخصوصاً در دنیای امروز که نقش شبکه ارتباطات در اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی بسیار مهمتر از گذشته رخ نمایان کرده است.

براین اساس در مهندسی فرهنگی کشور می‌بایست شبکه ارتباطی بر مدار و محوریت مساجد شکل بگیرد تا هم پاک بودن این شبکه ارتباطی تضمین شود و هم زمینه شکل‌گیری جبهه فرهنگی توحیدی در مقابل جبهه مادی پدید آید.

ج) تکامل و تربیت دینی: در اسلام آموزش هیچگاه از تربیت جدا نبوده است و لذا کارکرد آموزشی مسجد همواره قرین کارکرد تربیتی هم بوده است. اما با این حال توجه به این بعد از مسجد هم در زمینه توسعه و رشد فرهنگی کشور بسیار مهم می باشد.

باید مسئولین و متولیان فرهنگی کشور به این باور اساسی رسیده باشند که جز بر مدار مسجد، توسعه تربیتی کشور امکان پذیر نمی باشد. بچه و فرزندی که از ابتدای کودکی و نوجوانی قرین مسجد نشود و با حلقه های ذکر و معرفت مسجد همراه نشود، در جوانی و میان سالی هرگز نمی تواند در وادی تربیت دینی حضور پیدا کند. مسجد کانون رشد اخلاق فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی است. تاجری که با مسجد انس نداشته باشد تجارتش می لنگد و سیاست مداری که در مسجد تربیت نشده باشد هرگز نمی تواند چرخ حکومت اسلامی را بچرخاند.

مبحث سوم - کارکرد اقتصادی و حقوقی مسجد

علاوه بر کارکرد سیاسی و فرهنگی مسجد در سیره نبوی و علوی، مسجد کارکرد اقتصادی هم داشته است. حفظ و نگهداری بیت المال و تقسیم آن نوعا در مسجد صورت می گرفت. همچنین بیشتر قضاوت های حقوقی و قضائی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) در مسجد انجام می پذیرفت. مقام بیت الطشت و دکه القضا در مسجد کوفه بیانگر این مطلب مهم باشد.

براین اساس جا دارد در توسعه قضائی و اقتصادی کشور به نقش مسجد در این امر مهم توجه وافر شود. مثلا می توان در جنب هر مسجد صندوق قرض الحسنه تاسیس کرد و حوائج مادی مومنین را برطرف کرد

مبحث چهارم - مسجد به عنوان کانون شهر اسلامی

نکته مهم دیگر در باب مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی قرار گرفتن مسجد در کانون شهر اسلامی است. متاسفانه با نفوذ هنر و معماری غربی در جوامع اسلامی، ابتدا مسجد از مرکزیت معماری اسلامی کنار گذاشته و سپس کم کم مسجد از نقش آفرینی در حیات اجتماعی کنار گذاشته شد و تنها به مرکزی عبادی بدل گردید.

اما در فرهنگ نبوی با ساخت مسجد شهر یشرب مدینه النبوی شد و بعدها مسلمانان شهرهای جدید کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز کردند. در معماری اسلامی همه راههای محلات شهر به مسجد ختم می شود. بازار در کنار مسجد شکل می گیرد و سازو کار شهری بر مدار مسجد سامان می یابد. لازمه چنین معماری کثرت مساجد در محله ها و شهرها بود، مساله ای که متاسفانه با ورود معماری مدرن به دنیای اسلام و با شکل گیری شهرهای صنعتی کم رنگ شد تا جائی که هم اکنون در کشور انقلاب اسلامی در بسیاری از مجتمع های جدید شهری یا اصلا خبری از مسجد نیست و یا متناسب با جمعیت فضای مسجد موجود نمی باشد. در این صورت چگونه می توان سخن از کار فرهنگی به میان آورد؟

علاوه بر تاثیر مسجد در معماری شهری، معماری خود مسجد هم مقوله دیگری است که نقش تربیتی و اخلاقی آن بسیار مهم می باشد که در این باب پژوهش های فراوانی صورت گرفته است. (حاج سید جوادی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۷)

نتیجه‌گیری

هدف انقلاب اسلامی تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است. برای تحقق چنین تمدنی باید به همه الزامات آن در دنیای جدید ملتزم بود و برای حفظ اسلامیت آن باید تمامی نرم افزارها و سخت افزارهای آن براساس مبانی، آموزها و اهداف دینی تولید و یا بازسازی شود. بالطبع دستیابی به چنین تمدنی تنها در سایه استنباط فقه حکومتی و تولید علوم اسلامی کارآمد امکان پذیر می باشد که همان مغزافزار تمدنی و یا عقلانیت اسلامی می باشد. در این میان آنچه از قدر متیقن های معارف اسلامی به خوبی قابل استنباط می باشد جایگاه رفیع مسجد و نقش آن در تحقق تمدن اسلامی می باشد. مسجد با کارکردهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و ... محور مهندسی تمدن اسلامی و کانون شهر اسلامی است و غفلت از این مسئله اساسی رفتن به بی راه است.

منابع

۱. روح الامینی، محمود (۱۳۷۹)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار، چ پنجم.
۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چ اول.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۸۱) تعریف و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آکه، چ دوم
۴. روکس پرو (۱۳۷۰) - جامعه شناسی توسعه - ترجمه دکتر مصطفی از کیا - نشر توسعه - تهران
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۵) - حکومت جهانی محور گسترش یا معو انقلاب اسلامی - دفتر فرهنگستان علوم اسلامی
۶. زرشناس، شهریار، مبانی نظری غرب مدرن، تهران، انتشارات کتاب صبح، چ دوم.
۷. گراویه دویویی (۱۳۶۷)، فرهنگ و توسعه، مترجم فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین، انتشارات،
۸. ماکس وبر (۱۳۷۴) اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، تهران، انتشارات سمت، چ دوم.
۹. ویل دورانت (۱۳۷۰) تاریخ فلسفه، عباس زریاب، تهران.
۱۰. نیل پستمن (۱۳۷۲)، زندگی در عیش مردن در خوشی، - ترجمه سید صادق طباطبایی، تهران، انتشارات سروش
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتاب الاسلامیه
۱۲. قائدان، اصغر (۱۳۸۵)، آثار اسلامی مکه ومدینه.
۱۳. حکیم سبزواری (۱۳۵۷)، شرح الاسماء الحسنی، تهران،
۱۴. ابن سعد، محمد (۱۹۸۵م)، الطبقات الکبری، ج ۱، دار بیروت
۱۵. حاج سید جوادی، سید کمال (۱۳۷۵) مساجد ایران، ج ۱، تهران، سروش

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد